

## عنوان طرح پژوهشی : طراحی الگوی مهارت آموزی اشتغال ویژه افراد دارای معلولیت

مجری طرح : فاطمه طاهر پور - دانشگاه بیرجند

سال اجرا : ۱۴۰۲

### چکیده:

شرایط اجتماعی، فرهنگی و ساختاری -کالبدی در جامعه ایران، حضور و مشارکت فعال و برابر افراد دارای معلولیت در بازار کار را محدود میکند. این پژوهش با هدف طراحی بومی الگوی مهارت آموزی اشتغال محور برای افراد دارای معلولیت در ایران انجام شده است. تدوین الگوی مهارت آموزی اشتغال محور بر اساس مدل کلاین (شامل هدف، محتوا، مواد و منابع، راهبردهای یادگیری، گروه بندی، زمان و مکان، ارزشیابی)، و ارزیابی اثربخشی و پیامدهای این الگو است. پرسش اصلی پژوهش حول این محور است که چگونه می توان الگویی مؤثر و پایدار برای مهارت آموزی اشتغال محور طراحی کرد که با شرایط فرهنگی، اقتصادی و بازار کار ایران همخوانی داشته باشد و به نیازهای متنوع افراد دارای معلولیت پاسخ دهد. رویکرد پژوهش حاضر کیفی مبتنی بر زاویه بندی درون روشی است که با استفاده از دو روش مطالعه تطبیقی (تحلیل محتوای کیفی) و روش نظریه داده بنیاد تجربیات افراد دارای معلولیت به طراحی الگوهای بومی مهارت آموزی اشتغال محور پرداخته است. به منظور بررسی مطالعه تطبیقی الگوهای موفق توانمندسازی افراد دارای معلولیت، سیاستها و برنامه های مهارت آموزی در کشورهای آلمان، استرالیا و هند بررسی شدند. این بررسی شامل تحلیل اسناد رسمی، گزارش های دولتی، و مطالعات علمی مرتبط با برنامه های آموزشی و اشتغال افراد دارای معلولیت بود تا عوامل موفقیت، چالش ها و راهکارهای قابل اقتباس برای ایران شناسایی شوند. در بخش نظریه داده بنیاد مشارکت کنندگان شامل و متخصصان حوزه آموزش فنی و حرفه ای دارای معلولیت) با تمرکز بر معلولیت های جسمی - حرکتی، بینایی و شنوایی (در ایران بود. نمونه گیری به صورت هدفمند انجام شد که با مشارکت 15 نفر اشباع نظری حاصل شد داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته با افراد دارای معلولیت و تحلیل اسناد مرتبط جمع آوری شدند. برای مطالعه تطبیقی داده های کیفی با استفاده از روش کدگذاری باز و محوری تحلیل شدند. اعتبارسنجی الگوها از طریق بازخورد متخصصان، مربیان، کارفرمایان و خود افراد دارای معلولیت انجام گرفت. مطالعات تطبیقی نشان داد که هر یک از کشورهای مورد بررسی رویکردهای متفاوتی به مهارت آموزی افراد دارای معلولیت دارند که برای ایران قابل اقتباس هستند، اما نیازمند بومی سازی اند. در آلمان، برنامه های نظام دوگانه مهارت آموزی بر یادگیری تئوری /نظری و کارآموزی های ساختاریافته در محیط های واقعی کاری تمرکز دارند که با حمایت های دولتی و همکاری نزدیک با صنایع، نرخ اشتغال بالایی را برای افراد دارای معلولیت فراهم کرده اند. استرالیا با سیاست های فراگیر دیجیتال بر استفاده از فناوری های کمکی و ایجاد محیط های آموزشی و کاری قابل دسترس تأکید دارد که مشارکت اجتماعی و اقتصادی را تقویت میکند. در هند، برنامه های کوتاه مدت و مبتنی بر خود اشتغالی کارآفرینانه، به توانمندسازی افراد دارای معلولیت کمک کرده اند. همچنین تحلیل تجربیات زیسته افراد دارای معلولیت سه مؤلفه کلیدی را برجسته کرد: یادگیری گروهی، دسترسی ساختاری، و توانمندسازی آموزشی. در نهایت دو مدل بومی پیشنهاد شد ۱- مهارت آموزی حرفه ای تطبیق پذیر و ۲- پیشرفت شبکه ای. مدل مهارت آموزی حرفه ای تطبیق پذیر بر آموزش های انعطاف پذیر و متناسب با نیازهای فردی تمرکز دارد و شامل پنج مرحله است: ارزیابی قابلیت های فردی برای شناسایی نقاط قوت و محدودیت ها، آموزش نظری پایه ای با محتوای ساده و قابل دسترس، آموزش عملی در محیط های شبیه سازی شده برای تقویت مهارتهای شغلی، کارآموزی در محیط های واقعی کاری با حمایت مربیان و زیرساخت های قابل دسترس، و حمایت پس از آموزش از طریق مشاوره شغلی و پشتیبانی حقوقی برای تضمین پایداری اشتغال. مدل پیشرفت شبکه ای بر آموزش دیجیتال و شبکه سازی حرفه ای تأکید دارد و شامل مراحل آموزش مهارت های دیجیتال) مانند برنامه نویسی، تولید محتوا، و بازاریابی آنلاین)، پیوستن به شبکه های حرفه ای از طریق پلتفرم های آنلاین، همکاری با کارفرمایان در بازارهای فریلنسینگ، توسعه کسب و کار مستقل با حمایت های مالی خرد، و پشتیبانی فنی و تجاری مستمر است. این مدل برای افرادی با محدودیت های حرکتی یا جغرافیایی مناسب است. این پژوهش با ارائه دو مدل بومی مهارت آموزی حرفه ای تطبیق پذیر و پیشرفت شبکه ای، چارچوبی تحول آفرین برای آموزش فنی و حرفه ای افراد دارای معلولیت در ایران است. این مدل ها با تأکید بر دسترسی پذیری، انعطاف پذیری، و پایداری، نه تنها به نیازهای اقتصادی و اجتماعی این گروه پاسخ میدهند، بلکه زمینه ساز جامع های فراگیرتر و عادلانه تر هستند. مدل تطبیق پذیر با تمرکز بر آموزش های عملی و سفارشی شده، مسیرهای شغلی در بخش های ملموس مانند تولید، خدمات فنی، و صنایع دستی را هموار می کند، در حالی که مدل شبکه ای با بهره گیری از اکوسیستم های

دیجیتال، فرصت های خوداشتغالی و اشتغال انعطاف پذیر را برای افراد با محدودیت های جغرافیایی یا حرکتی فراهم میسازد. یافته های تطبیقی نشان داد که اقتباس از فناوری های هوشمند (آلمان)، سیاست های فراگیر دیجیتال (استرالیا)، و برنامه های کوتاه مدت مبتنی بر خود اشتغالی (هند) میتواند در ایران مؤثر باشد، مشروط به بومی سازی با توجه به محدودیت های زیرساختی و نگرش های فرهنگی. پیشنهاد های کاربردی شامل تدوین چارچوب ملی آموزش حرفه ای فراگیر، ارائه مشوق های مالی برای کارفرمایان، طراحی برنامه های درسی تطبیقی، ایجاد مراکز آموزشی قابل دسترس، و اجرای سختگیرانه قوانین دسترسی به محل کار است.